

ساختار کتاب

کتاب شب امتحان عربی، زبان قرآن (۳) دوازدهم از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

(۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم؛ بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه، تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها **نکات مشاوره‌ای** نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس‌خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول، مشابه آزمونی را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.

(۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۲ امتحان‌های نهایی برگزار شده در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ هستند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:

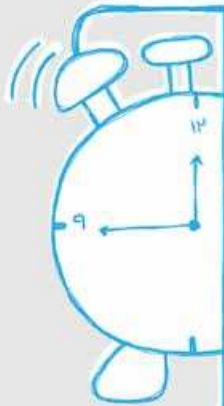
الف) آزمون‌های طبقه‌بندی شده: آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ آزمون‌های نهایی خرداد، شهریور و دی ۱۴۰۰ و دی ۱۴۰۱ هستند که طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس، تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها هم، ۲۰ نمره دارند؛ در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم **نکات مشاوره‌ای** دارند.

ب) آزمون‌های طبقه‌بندی نشده: آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۲ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۴ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال مواجه خواهید شد. این آزمون‌ها به ترتیب امتحان‌های نهایی خرداد ۱۴۰۱، خرداد ۱۴۰۲، شهریور ۱۴۰۱ و شهریور ۱۴۰۲ هستند.

(۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم.

(۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** در این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان عربی، زبان قرآن (۳) نیاز دارید، تنها در ۱۱ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید!

یک راهکار: موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤال‌های درس‌های اول و دوم آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.



فهرست

صفحه صفحه

نوبت آزمون پاسخ‌نامه

آزمون شماره ۱	(طبقه‌بندی شده)	اول	۳	۳۴
آزمون شماره ۲	(طبقه‌بندی شده)	اول	۶	۳۵
آزمون شماره ۳	(طبقه‌بندی نشده)	اول	۹	۳۸
آزمون شماره ۴	(طبقه‌بندی نشده)	اول	۱۱	۳۹
آزمون شماره ۵	نهایی خرداد ۱۴۰۰	دوم	۱۴	۴۱
آزمون شماره ۶	نهایی شهریور ۱۴۰۰	دوم	۱۷	۴۲
آزمون شماره ۷	نهایی دی ۱۴۰۰	دوم	۲۰	۴۳
آزمون شماره ۸	نهایی دی ۱۴۰۱	دوم	۲۳	۴۴
آزمون شماره ۹	نهایی خرداد ۱۴۰۱	دوم	۲۶	۴۵
آزمون شماره ۱۰	نهایی خرداد ۱۴۰۲	دوم	۲۸	۴۷
آزمون شماره ۱۱	نهایی شهریور ۱۴۰۱	دوم	۳۰	۴۸
آزمون شماره ۱۲	نهایی شهریور ۱۴۰۲	دوم	۳۲	۴۹

۵۱

درس‌نامه توپ برای شب امتحان

بازم‌بندی درس عربی، زبان قرآن (۳)

نوبت دوم شهریور و دی‌ماه	نوبت اول	مهارت‌ها
۲	۲	واژه‌شناسی
۹	۹	ترجمه به فارسی
۷	۷	شناخت و کاربرد قواعد
۲	۲	درک و فهم
۲۰	۲۰	جمع

	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نمره	آزمون شماره ۱			ردیف
درس اول				
۰/۵	۱ ترجم الکلّمات الّتی تحتها خطّ. الف) ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾ ب) ﴿أَيُحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾			۱
۰/۵	۲ اُكْتُبْ فِي الْفَرَاغِ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَرَادِفَتَيْنِ وَ الْكَلِمَتَيْنِ الْمُتَضَادَّتَيْنِ. هر کلمه‌ای را که در درس می‌خوانید به دنبال مترادف و متضادش بگردید. <div style="border: 1px solid black; padding: 5px; display: inline-block;"> الْبُعْثُ - الْمَرَضُ - السَّيْرَةُ - النَّقُوشُ - الْأَعَابِيَةُ - الْقِيَامَةُ </div> = ≠			۲
۰/۷۵	۳ تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ. الف) الْحَضَارَاتُ وَ الرُّسُومُ تَدُلُّ عَلَى أَنَّ الدِّينَ فِطْرِيٌّ وَلَكِنَّ بَعْضَ الشَّعَائِرِ خُرَافِيَّةٌ. ب) كَسَّرَ إِبْرَاهِيمُ الْأَصْنَامَ ثُمَّ عَلَّقَ الْفَأْسَ عَلَى كَيْفِ الصَّنَمِ الْكَبِيرِ. ج) وَ امْلَأِ الدُّنْيَا سَلَامًا شَامِلًا كُلَّ الْجِهَاتِ د) يَتَأَكَّدُ الْقُرْآنُ أَنْ تَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ لَعَلَّكُمْ تَرَوْنَ عَاقِبَةَ الْكَافِرِينَ. هـ) يَا لَيْتَنَا كُنَّا مَعَ الْحُسَيْنِ ﷺ، حَتَّى يُثَقِّدَنَا مِنَ الْجَهَالَةِ. و) لَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ. ز) إِنَّ مِنَ السُّنَّةِ أَنْ يُخْرَجَ الرَّجُلُ مَعَ ضَيْفِهِ إِلَى بَابِ الدَّارِ.			۳
۰/۵	۴ كَمَّلِ الْفَرَائِغَ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. لَا تُطْعِمُوا الْمَسَاكِينَ مِمَّا لَا تَأْكُلُونَ. (به) بیچارگان از آن چه			۴
۱	۵ تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. الف) الْحَضَارَةُ الْغَرِيبَةُ لَنْ تَعْلَمَ النَّاسَ الْعِنَافَ أَبَدًا. ب) قَدْ سَئِلَ الْمَدِيرُ: أَمْ فِي الْمَدْرَسَةِ طَالِبٌ؟ ج) لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ. د) أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ.			۵
۰/۵	۶ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُنَاسِبَ لِلْفَرَاغِ. الف) لَيْتَ أَحِبَّتِي بِالْخَيْرِ عِنْدَمَا أَمُوتُ. ب) جَعَلَ اللَّهُ الْقُرْآنَ عَرَبِيًّا لَعَلَّ النَّاسَ ج) لَمْ يَكُنْ لِبَعْضِ الشُّعُوبِ دِينٌ. د) أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ.			۶
۰/۲۵	۷ عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الَّتِي فِيهَا «لَا» النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ. (۱) <input type="checkbox"/> يَا أَيُّهَا النَّاسُ! لَا تَأْخُذُوا الْبَاطِلَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ. (۲) <input type="checkbox"/> لَا يَعْصِبُ الْمُؤْمِنُ فَإِنَّا الْعَصَبُ مَفْسُودَةٌ. (۳) <input type="checkbox"/> لَا سَوْءَ أَسْوَأَ مِنَ الْكُذْبِ.			۷
۰/۲۵	۸ ضَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً. قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ ﷺ: «..... أَحْسَنَ الْحَسَنِ الْخُلُقُ الْحَسَنُ.» <input type="checkbox"/> أَنْ <input type="checkbox"/> أَنْ <input type="checkbox"/> أَنْ <input type="checkbox"/> أَنْ			۸
۱	۹ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ. الف) ﴿... أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَلْهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ﴾ ب) يَنْتَبِعُ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرَسُ فَرِيْسَتَهُ.			۹

عربی	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
ردیف	آزمون شماره ۱			نمره
درس دوم				
۱۰	۰/۵	تَرْجِمِ الْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ. الف) يَتَعَبَّدُ فِي قِمَّةِ جَبَلِ التَّوْرِ. ب) هُوَ أَشْمَاكُ الزَّيْنَةِ مُعْجَبُونَ.		
۱۱	۰/۲۵	اگرچه در آخر درس نهم تمام جمع‌های مکسر درس‌ها آمده، ولی جمع‌های مکسری که کتاب مستقیماً به آن‌ها اشاره کرده مهم‌تر هستند.	أَكْتُبُ مَفْرَدَ الْكَلِمَةِ التَّالِيَةِ. الْخِيَامِ:	
۱۲	۰/۲۵	عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْغَرِيبَةِ فِي الْمَعْنَى. <input type="checkbox"/> الطَّيْنِ <input type="checkbox"/> الْمِلْفِ <input type="checkbox"/> الثَّرَابِ <input type="checkbox"/> الْحَجَرِ		
۱۳	۰/۷۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۵ ۰/۷۵ ۰/۵	تَرْجِمِ هَذِهِ الْجُمْلَ. الف) قَدْ يَشْتَأْقُ بَنِيَّ أَنْ يَرَى مَبَارَاةَ كُرَةِ الْقَدَمِ مِنَ التَّلْفَازِ. ب) «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» ج) يَا أُمَّاهُ! إِنِّي لَأَتَّصِلُ بِمُصَلِّحِ الْحَافِلَاتِ لِأَنَّهَا مُعْطَلَةٌ. د) إِلَهِي، عَامِلُنَا بِقُضْلِكَ وَلَا تُعَامِلْنَا بِعَدْلِكَ. هـ) بَعْدَ إِطْلَاقِ قَطْرَاتِ الْمَاءِ فِي إِتْجَاهِ الْحَسْرَةِ، تَسْقُطُ الْحَسْرَةُ ثُمَّ تَبْلُغُهَا. و) عِنْدَ وَقُوعِ الْمَصَائِبِ تَنْزِلُ الرَّحْمَةُ سَرِيعَةً.	از آيات و احاديث کتاب بدون تغيير سوال می‌شود ولی ساير پيملاط کمی تغيير می‌کنند.	
۱۴	۰/۵	كَمَلِ الْفَرَاغِينَ فِي التَّرْجَمَةِ الْفَارْسِيَّةِ. حِينَ أَرَى هَذَا الْمَشْهَدَ تَمُرُّ أَمَامِي ذِكْرِيَاتِي. هنگامی که این را می‌بینم، خاطراتم در مقابلم	کلمات کلیدی و مهم در این‌گونه سوالات مورد پرسش قرار می‌گیرد.	
۱۵	۰/۲۵	إِتْنَحِبِ التَّرْجَمَةَ الصَّحِيحَةَ. تُحَاوِلُ الطَّالِبَةُ فِي آدَاءِ وَاجِبَاتِهَا رَاضِيَةً وَ تُسَاعِدُ أَبَاهَا. <input type="checkbox"/> ۱) دانش‌آموز (دختر) با رضایت در انجام تکلیف‌هایش تلاش می‌کند، در حالی که پدرش به او کمک می‌کند. <input type="checkbox"/> ۲) دانش‌آموز در انجام تکالیفش تلاش می‌کند، در حالی که راضی است و به پدرش کمک می‌کند.	لطفاً از ترجمه فعل شروع کنید.	
۱۶	۱	تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ. الف) لِمَ لَا تَعْمَلُونَ بِوَأَجْبَانِكُمْ؟ ج) رَجَاءً، تَكَاتِبًا! ب) نُمْنَعُ عَنِ الْمَوَادِّ السُّكَّرِيَّةِ. د) كُنْتُ قَدْ تَذَكَّرْتُ زَمِيلِي.	شناخت انواع فعل همیشه مهم است و در ترجمه بسیار کمک می‌کند.	
۱۷	۰/۵	عَيْنِ الْفِعْلِ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاغِ. الف) جَدِّي كُلَّ يَوْمٍ فَرِيضَةَ الصَّلَاةِ فِي الْمَسْجِدِ. <input type="checkbox"/> أَدَيْتَ <input type="checkbox"/> كَانَ يُؤَدِّي <input type="checkbox"/> تُوَدِّي ب) فِي السَّنَوَاتِ الْمَاضِيَةِ فِي الْكُتُبِ الدِّينِيَّةِ أَنْ أُولَى آيَاتِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ نَزَلَتْ فِي غَارِ حِرَاءِ. <input type="checkbox"/> لَنْ نَقْرَأَ <input type="checkbox"/> كُنَّا نَقْرَأُ <input type="checkbox"/> كُنْتُ قَدْ قَرَأْتُ	معمولاً در جمله نشانه‌هایی وجود دارد که در انتخاب گزینه صحیح کمک بسیاری می‌کند.	
۱۸	۱	عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حَطُّ، فِي مَا يَلِي: الف) سَأَلَ الْأَبُ وَ لَدَهُ مُتَعَجِّبًا: لِمَ تَبْكِي؟ ب) لَا يَسْتَطِيعُ الصَّعُودَ إِلَى الْغَارِ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ. ج) الطَّالِبَاتُ تَقْرَأْنَ دُرُوسَهُنَّ مُجَدِّدَاتٍ. (عَيْنِ الْخَبَرِ فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ.)	تشخیص نقش کلمه در جمله در همه امتحانات می‌آید، پس لطفاً یک بار برای همیشه آن را یاد بگیرید.	
۱۹	۱/۵	عَيْنِ اسْمِ الْفَاعِلِ وَ اسْمِ الْمَفْعُولِ وَ اسْمِ الْمُبَالَغَةِ وَ اسْمِ التَّفْضِيلِ وَ اسْمِ الْمَكَانِ فِي مَا يَلِي. الف) «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ * ازْجِعِي إِلَى رَبِّكَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً» ب) إِنَّ السَّيِّدَ حَسْبِي رَجُلٌ صَبَّارٌ وَ يَسْكُنُ قُرْبَ الْمَسْجِدِ. ج) يُعَدُّ جَبَلٌ «إِفْرِسْت» أَعْلَى جَبَلٍ عَلَى مُسْتَوَى الْعَالَمِ.	با توجه به این‌که قواعد مربوط به این سوال را سال‌های پیش خوانده‌اید ضروری است دوباره تکرار شود.	

	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نمره	آزمون شماره ۱			ردیف
۱	نوبت اول پایه دوازدهم	<div style="border: 1px solid black; padding: 5px; display: inline-block;">ترکیبی</div>		
۱	معنای واژه و کمی هم مدرس شما را به پاسخ صحیح می‌رساند.	<p>۱- من الفرائض الدینیة و من أجزائها السعی و رمی الجمرات.</p> <p>۲- سیارة تستخدمها للعمل فی المزرعة.</p> <p>۳- إذا ذکر اسم الله فی الطعام تجدها فی الطعام.</p> <p>۴- إنهم بدؤوا يتكلمون بكلام حنی.</p>	<p>صَعُ في المَرَبَعِ العَدَّةُ المُناسب: «كَلِمَتانِ زائِدَتانِ»</p>	۲۰
۱	اطلاعات عمومی و آن‌چه در کتاب است برای پاسخ به این سوالات کافی است.	<p><input type="checkbox"/> يَتَهامَسُ</p> <p><input type="checkbox"/> اَلْبَرَكة</p> <p><input type="checkbox"/> اَلقَرابین</p> <p><input type="checkbox"/> اَلجَزارة</p> <p><input type="checkbox"/> اَلْمُجِيب</p> <p><input type="checkbox"/> اَلحَجَّ</p>	<p>عَيِّنِ اَلْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ و عَيِّرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبِ اَلْحَقِيقَةِ و اَلْوَاقِعِ.</p> <p>(الف) جَبَلُ التَّوْرِ يَكُونُ مُرتَفِعاً و يَقَعُ في مَدِينَةِ النَّبِيِّ ﷺ.</p> <p>(ب) تَعَدُّ اَلْاِلهَةَ مِنَ الخرافاتِ و عبادَتُها مِنَ المَعاصي اَلْكَبيرةِ.</p> <p>(ج) التَّفاخُرُ بِالنَّسَبِ مِنَ اَحْسَنِ اَلْحَسَنِ.</p> <p>(د) «السَّعْبُ» هو اهل البَلَدِ الَّذينَ يَعيشونَ في مَكانٍ واحِدٍ و جَمَعُها «سَعَبٌ».</p>	۲۱
۲۰	جمع نمرات	موفق باشید		

شماره	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۸۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۱		آزمون شماره ۹	
۱	<p>ب) هُوَ أَسْمَاكِ الزَّيْتَةِ مُعْجَبُونَ بِهِذِهِ السَّمَكَةِ.</p> <p>د) الْعُرْبُ تَعْرِفُ مَنْ أَنْكَرَتْ وَ الْعَجَمُ.</p>		<p>۱ ترجم الكلمات التي تحتها خط:</p> <p>الف) ﴿وَ أَيْمٌ وَ جَهَاكِ لِلَّذِينَ حَنِيفًا﴾</p> <p>ج) كُلُّ وَعَاءٍ يَضِيْقُ بِمَا جُعِلَ فِيهِ.</p>	
۰/۵	<p>الحياة - الجهل - العيش - المدح - الصبر - الذم</p> <p>الف) = ب) ≠</p>		<p>۲ عَيْنِ الْمُتَرَادِفِ وَ الْمُتَضَادِّ:</p>	
۰/۵	<p>الموقف <input type="checkbox"/> الشلال <input type="checkbox"/> المدرسه <input type="checkbox"/> الملعب <input type="checkbox"/></p>		<p>۳ عَيْنِ الْكَلِمَةِ الْعَرَبِيَّةِ:</p>	
۰/۲۵			<p>۴ أَكْثَبُ جَمَعَ «التَّقَش»:</p>	
۰/۵			<p>۵ تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ:</p> <p>الف) ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ﴾</p> <p>ب) كَانَ يَنْظُرُ هِشَامٌ إِلَى النَّاسِ وَ مَعَهُ جَمَاعَةٌ.</p> <p>ج) حَاوَلَ إِبْرَاهِيمُ ﷺ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.</p> <p>د) لَا فَقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ وَ لَا عِبَادَةَ مِثْلُ التَّفَكُّرِ.</p> <p>هـ) إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ.</p> <p>و) طَافَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ ﷺ بِالْبَيْتِ طَوَافَ الْأَعَاطِمِ.</p> <p>ز) اللَّاعِبُونَ الْإِيرَانِيُونَ رَجَعُوا مِنَ الْمُسَابَقَةِ فَرِحِينَ.</p> <p>ح) كَانَ الْفَرَزْدَقُ حَاضِرًا فَأَنْشَدَ قَصِيدَةً فِي مَدْحِ الْإِمَامِ ﷺ.</p> <p>ط) رُبَّ كِتَابٍ يَجْتَهِدُ الْقَارِي فِي قِرَائَتِهِ فَيُؤَثِّرُ فِي نَفْسِهِ.</p> <p>ي) الْإِنْسَانُ الْعَاقِلُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَجِدَ غِذَاءً فِكْرِيًّا فِي كُلِّ مَوْضِعٍ.</p>	
۰/۵	<p>۱) كِشْتِ دَر بَاغِ مِي رُوِيدِ وَ بَر كُوهِ نَمِي رُوِيدِ.</p> <p>۲) كِشْتِ دَر دَشْتِ مِي رُوِيدِ وَ بَر تَخْتِه سَنَگِ نَمِي رُوِيدِ.</p>		<p>۶ إِنْتَخِبِ الصَّحِيحَ فِي التَّرْجُمَةِ:</p> <p>الف) إِنَّ الزَّرْعَ يَنْبُثُ فِي السَّهْلِ وَ لَا يَنْبُثُ فِي الصَّفَا.</p> <p>ب) بَلْ تَرَاهُمْ خَلَقُوا مِنْ طِينَةٍ.</p>	
۱/۵	<p>۱) بَلْكَه أَنَانِ رَا مِي بِيْنِي اَز تِكِه گِلِي آفَرِيْدِه شْدِه اَنْدِ.</p> <p>۲) بَلْكَه أَنَانِ رَا مِي بِيْنِي كِه تِكِه گِلِي آفَرِيْدَنْدِ.</p>		<p>۷ كَمِّلِ الْفَرَاغَاتِ فِي التَّرْجُمَةِ الْفَارْسِيَّةِ:</p> <p>الف) ﴿قَالُوا حَرِّقُوهُ وَ انصُرُوا آلِهَتَكُمْ﴾</p> <p>ب) يَعِيْشُ الْبَخِيْلُ فِي الدُّنْيَا عَيْشَ الْفُقَرَاءِ.</p> <p>ج) تَعَلَّمَ الْاَنْجَلِيْزِيَّةَ مِنَ السُّبْحِاحِ فِي مَحَافِظَةِ اَسْوَانِ.</p>	
۲	<p>۱) سَيِّتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ.</p> <p>۲) لَمْ يُرْسِلُوا وَاجِبَاتِهِمْ.</p> <p>۳) لَنْ يَتَقَرَّبَ إِلَى الذَّنْبِ.</p> <p>۱) الطَّالِبُ كَانَ يَمْتَنِعُ عَنِ النَّوْمِ.</p> <p>۲) مِنْ فَضْلِكَ، اِمْتَنِعْ عَنِ الْأَكْلِ.</p> <p>۳) هُوَ قَدْ أَرْسَلَ الْخَيْرَ.</p>		<p>۸ تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ:</p> <p>الف) تَقَرَّبَ: زَدِيكِ شَد</p> <p>ب) أَرْسَلَ: فَرَسْتَاد</p> <p>ج) اِمْتَنَعَ: خُوْدْدَارِي كَرْد</p>	
۲	<p>۱) اِسْمُ الْفَاعِلِ</p> <p>۲) اِسْمُ الْمَفْعُولِ</p> <p>۳) اِسْمُ تَفْضِيْلِ</p> <p>۴) اِسْمُ الْمَبَالِغَةِ</p> <p>۵) اِسْمُ الْمَكَانِ</p>		<p>۹ اِبْحَثْ عَنِ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ فِي الْجُمَلِ:</p> <p>قَالَ الرَّجُلُ الْعَلَامَةُ: لَا أَظُنُّ أَنَّ هُنَاكَ كُتُبًا مُكْرَرَةً - عَلَّقَ إِبْرَاهِيمُ الْقَاسَ عَلَى كَيْفِ أَكْبَرِ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ - الْغَارُ يَقَعُ قَوْفُ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ.</p>	

شعار	kheilisabz.com	زمان آزمون: ۸۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها به جز رشته انسانی	عربی، زبان قرآن (۳)
نمره	نوبت دوم پایه دوازدهم - نهایی خرداد ۱۴۰۱		آزمون شماره ۹	
۰/۷۵			<p>۱۰ ترجم الكلمات التي تحتها خط: (الف) أَضَعَفُ النَّاسِ مَنْ ضَعَفَ عَنِ كِتْمَانِ بِيْرِهِ. (ب) يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فِي الْمَلْعَبِ.</p>	
۱/۲۵	<p>۱۱ مَيزَ فِي الْعِبَارَاتِ: يَحْتَاجُ السَّمَكُ إِلَى الْمَاءِ احْتِيَاجَ الْأَحْيَاءِ - ﴿بَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ﴾ - يَشْتَغِلُ الْعَمَالُ فِي الْمَصْنَعِ إِلَّا عَامِلًا. (۱) الحال (۲) المفعول المطلق (۳) نوع المفعول المطلق (۴) المستثنى منه (۵) المستثنى</p>			
۱	<p>۱۲ عَيَّنِ الْكَلِمَةَ الصَّحِيحَةَ لِلْعِبَارَاتِ: الوعاء - تجارب - التصليح - رمز - الطرؤف</p>		<p>الف) وَرَقَةُ الرَّيْتُونِ السَّلَامِ. (ب) الْكُتُبُ آلِفِ الْعُلَمَاءِ عَلَى مَرِّ السَّنِينَ. (ج) الْمُعْطَلَةُ صَفَةٌ لِجِهَازٍ أَوْ أَدَاةٍ بِحَاجَةٍ إِلَى (د) هِيَ الْأَوْضَاعُ وَالْأَحْوَالُ الَّتِي تُشَاهِدُهَا حَوْلَنَا.</p>	
۱/۲۵			<p>۱۳ عَيَّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا حُطُّ: الف) الْفِرْزِدِيُّ يَعْرِفُهُ مَعْرِفَةً جَيِّدَةً. (ب) حَضَرَ الْمَسَافِرُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ.</p>	
۱	<p>۱۴ إقرأ النَّصَّ ثُمَّ أَجِبْ عَنِ الْأَسْئَلَةِ التَّالِيَةِ: «قَالَتِ الْأُمُّ: أَنَا أَتَذَكَّرُ جَبَلَ التَّوْرِ الَّذِي كَانَ النَّبِيُّ ﷺ يَتَعَبَّدُ فِي غَارِ جِرَاءِ الْوَادِعِ فِي قِمَّتِهِ. وَلَكِنِّي مَا رَأَيْتُ الْغَارَ، لِأَنَّهُ بَقِعَ فَوْقَ جَبَلٍ مُرْتَفِعٍ، لَا يَسْتَطِيعُ صُوعُودُهُ إِلَّا الْأَقْوِيَاءُ» «يُوجَدُ نَوْعٌ مِنَ السَّمَكِ فِي إِقْرِيقِيَا يَسْتُرُ نَفْسَهُ فِي غِلَافٍ مِنَ الْمَوَادِّ الْمُخَاطِيَّةِ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ فِيهِ وَبِدْفِنِ نَفْسَهُ تَحْتَ الطِّينِ ثُمَّ يَنَامُ نَوْمًا عَمِيقًا أَكْثَرَ مِنْ سَنَةٍ» الف) هل يستطيع كل الناس صعود الغار؟ (ب) من كان يتعبد في غار جراء؟ (ج) أين يستتر السمك نفسه؟ (د) كم مدة ينام السمك؟</p>			
۰/۵	<p>۱۵ عَيَّنِ الصَّحِيحَ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ وَالْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ: الجسم القوي يجذب غذاءً مناسباً لنفسه. الف) يجذب: (۱) فعل مضارع، معلوم / خبر (۲) فعل ماضٍ، مجهول / فعل مناسباً: (۱) اسم، مفرد، مذكر، معرفة / مضاف إليه (۲) اسم، مفرد، مذكر، نكرة / صفة</p>			
۲۰	جمع نمرات		موفق باشید	



پاسخ نامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

۱- الف) قطعاً خداوند کسانی را دوست می‌دارد که در راه او پیکار می‌کنند گویی ساختمانی استوار هستند.

ب) آیا انسان گمان می‌کند که بیهوده رها می‌شود؟

۲- قیامت - بیماری - روش - کنده کاری‌ها - سلامتی - قیامت
الْبُعْثُ = الْقِيَامَةُ (رستاخیز)

الْمَرَضُ (بیماری) ≠ الْأَعْفَايَةُ (سلامتی)

۳- الف) تمدن‌ها و رسم‌ها دلالت دارند که؛ دین فطری است، ولی بعضی مراسم‌ها خرافی است.

ب) ابراهیم بت‌ها را شکست، سپس تبر را بر شانه بت بزرگ آویزان کرد.

ج) و دنیا را از صلحی فراگیر در همه جهت‌ها پر کن.

د) قرآن تأکید می‌کند که در زمین حرکت کنید، شاید سرنوشت کافران را ببینید.

ه) ای کاش ما با حسین علیه السلام بودیم تا ما را از نادانی نجات دهد.

و) کسی که هیچ (وفای به) پیمانی ندارد، هیچ دینی ندارد.

ز) همانا از سنت (رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم) آن است که مرد با مهمانش تا درب خانه خارج شود.

۴- غذا ندهید - نمی‌خورید

۵- الف) تمدن غربی هرگز پاکدامنی را به مردم یاد نخواهد داد.

لَنْ تُعَلِّمَ (لن + فعل مضارع) مستقبل منفی است، پس ترجمه صحیح آن «یاد نخواهد داد» است. نکته دیگری که باید بدانیم این است که «الحضارة» مبتدا و مؤنث است و «لَنْ تُعَلِّمَ» که خبر آن می‌باشد نیز به شکل مؤنث آمده است.

ب) از مدیر سؤال شده است: آیا در مدرسه دانش آموزی هست؟

قَدْ سُئِلَ (قد + فعل ماضی) معادل ماضی نقلی است، پس ترجمه آن «سؤال شده است» می‌باشد. همچنین سُئِلَ فعل ماضی مجهول است؛ پس دقت کنید که باید به شکل مجهول ترجمه شود.

ج) برای بعضی از ملت‌ها دینی نبود (بعضی از ملت‌ها دینی نداشتند).

«کان» معمولاً معنای «بود» یا «است» می‌دهد و «لم یکن» (لم + فعل مضارع) ساختار ماضی منفی (ساده یا نقلی) دارد، پس لم یکن = ما کان می‌باشد و معنای «نبود»، «نبوده است» یا «نیست» می‌دهد.

د) بیشتر مردم سپاس‌گزاری نمی‌کنند.

فعل «لا یشکرون» مضارع منفی است، زیرا «لا» آخر فعل را تغییر نداده؛ پس «سپاس‌گزاری نمی‌کنند» ترجمه می‌شود.

۶- الف) ای کاش دوستانم هنگامی که می‌میرم مرا به خوبی

یاد کنند مرا یاد کنید مرا یاد کنند مرا

«يَذْكُرُونَ» به ضمیر «ی» متصل شده و نیاز به نون وقایه دارد (فعل + ن + ی) پس «یذکرونی» صحیح است.

ب) قبل از «يَذْكُرُونَ»، حرف مشبّه بالفعل «لیت» آمده، پس فعل را به صورت «مضارع التزامی» ترجمه کنیم.

ب) خداوند قرآن را عربی قرار داد شاید مردم

ببندیشند ببندیشید ببندیشند

فعل بعد از «لَعَلَّ» باید به شکل مضارع التزامی (ببندیشند) ترجمه شود. با آمدن «التاس» نمی‌توان «تَعْقِلُونَ» را برگزید؛ زیرا مخاطب است و از جهت معنا صحیح نخواهد شد. در «تَعْقِلُوا» هم دو اشتباه وجود دارد، زیرا «نون» فعل بعد از «لَعَلَّ» حذف نمی‌شود (مجزوم نمی‌شود) و از جهت معنا هم جمله صحیح نخواهد بود.

۷- ۱) ای مردم! باطل را از اهل حق نگیرید.

«لا» در فعل «لا تأخذوا»، «لای نهی» است، زیرا فعل را مجزوم کرده (آخر فعل را تغییر داده) و معنای جمله هم فقط در صورتی صحیح خواهد بود که «لای نهی» باشد.

۲) مؤمن خشمگین نمی‌شود، زیرا خشم مایه تباهی است.

«لا» در فعل «لا یغضب»، «لای نفی» است، زیرا فعل را مجزوم نکرده (آخر فعل تغییر نکرده).

۳) هیچ بدی زشت‌تر از دروغ نیست.

«لا» در این‌جا نفی جنس است، زیرا اولاً بر سر اسم نکره مفتوح (فتحه‌دار) آمده، ثانیاً معنای «هیچ ... نیست» دارد.

۸- امام حسن علیه السلام فرمود: همانا بهترین نیکی خلق نیکو است.

إن (اگر) و أن (که) بر سر فعل می‌آیند و آن (که) حروف مشبّه بالفعل است و در وسط جمله می‌آید. در این‌جا پاسخ «إن» است، زیرا در ابتدای جمله آمده و از حروف مشبّه بالفعل است و جمله بعد از خود را تأکید کرده است.

کتابه

حرف	نوع حرف	معنی	کاربرد
إِنَّ	حرف شرط	اگر	بر سر دو فعل می‌آید و فعل اول را معادل مضارع التزامی می‌کند.
أَنَّ	حرف ناصبه	که	بر سر فعل مضارع می‌آید و معادل مضارع التزامی فارسی است.
إِنَّ	حرف مشبّه بالفعل	همانا	بر سر مبتدا و خبر می‌آید و برای تأکید استفاده می‌شود و معمولاً در اول جمله می‌آید.
أَنَّ	حرف مشبّه بالفعل	که	بر سر مبتدا و خبر می‌آید و معمولاً در وسط جمله می‌آید.

۹- الف) ﴿... أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَلْهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾

مبتدا مفعول

ترجمه: آیا تو با خدایان ما این کار را کردی، ای ابراهیم؟

«أ = آیا» حرف می‌باشد و نقش دستوری ندارد، پس به کلمه بعد از آن نگاه می‌کنیم. «أَنْتَ» ضمیر است و ضمائر زیرمجموعه اسم‌ها هستند؛ پس «أَنْتَ» مبتدا محسوب می‌شود و «فَعَلْتَ» خبر خواهد بود، اما خبر خودش فعل است و می‌تواند فاعل یا مفعول داشته باشد. اگر به ترجمه توجه کنیم، «هَذَا» نقش مفعول دارد.

ب) يَتَّبِعُ الْحَيَوَانَ الْمُفْتَرِسَ قَرِيبَتَهُ.

حیوان درنده، شکارش را دنبال می‌کند.

جمله، فعلیه و «الحيوان» فاعل است؛ زیرا اولاً بعد از فعل آمده و انجام‌دهنده کار است. ضمیر «ه» که به «فَرِيسَةً» متصل شده مضاف‌الیه است، زیرا یک قانون کلی وجود دارد:

اسم + ضمیر
مضاف‌الیه

۱۰- الف) در قَلَّة کوه نور عبادت می‌کند.

ب) علاقه‌مندان به ماهی‌های زینتی شگفت‌زده هستند.

۱۱- الخيام: چادرها «مفرد: الْأَخِيْمَةُ»

۱۲- گِل پرونده خاک سنگ

◀ آزمون شماره ۹ (نوبت دوم) ▶

۱- الف) با یکتاپرستی به دین روی آور.

ب) علاقه‌مندان ماهی‌های تزئینی شیفته این ماهی هستند.

ج) هر طرفی با آن چه در آن قرار داده شد (می‌شود) تنگ می‌شود.

د) عرب و غیرعرب کسی را که تو انکار کردی می‌شناسند.

۲- زندگی - نادانی - زندگانی - ستایش - صبر - نکوهش

الف) الحیاة = العیش (زندگانی)

ب) المَدح (ستایش) ≠ الذم (نکوهش)

۳- ورزشگاه مدرسه آبشار ایستگاه

المَلْعَب، المَدْرَسَة و المَوْقِف اسم مکان هستند، ولی السَّلَال اسم مکان نیست.

۴- التَّقْش (کننده‌کاری) ← جمع → التَّقْوش

۵- الف) ای نفس آرامش‌یافته به سوی پروردگارت بازگرد.

ب) هشام به مردم نگاه می‌کرد و (در حالی که) گروهی با او بودند.

ج) ابراهیم تلاش کرد که قومش را از پرستش بت‌ها نجات دهد.

د) هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست و هیچ عبادتی همچون تفکر نیست.

ه) به درستی که انسان در زبان است به‌جز کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند.

و) زین‌العابدین علیه السلام خانه کعبه را همچون بزرگان طواف کرد.

ز) بازیکنان ایرانی از مسابقه با خوشحالی بازگشتند.

ح) فرزندق حاضر بود پس قصیده‌ای در مدح امام علیه السلام سرود.

ط) چه‌بسا کتابی که خواننده در خواندن آن می‌کوشد و در وجودش تأثیر می‌گذارد.

ی) انسان عاقل می‌تواند در هر موضوعی غذایی فکری بیابد.

اشتباه گزینۀ (۱): «الزرع: دشت» به اشتباه «باغ» ترجمه شده - «الصفا: تخته‌سنگ» به اشتباه «کوه» ترجمه شده است.

ب) گزینۀ «۱»

اشتباه گزینۀ (۲): «خُلِقُوا» فعل ماضی مجهول و به معنای «آفریده شده‌اند» است که به اشتباه به صورت معلوم یعنی «آفریدند» ترجمه شده است.

۷- الف) گفتند او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.

حَقُّوا: فعل امر باب تفعیل است صیغه جمع مذکر مخاطب - اَنْصُرُوا: فعل امر ثلاثی مجزء است و صیغه آن مفرد مذکر مخاطب است.

ب) شخص بخیل در دنیا همچون فقیران زندگی می‌کند.

«عیش» مفعول مطلق نوعی است، زیرا مصدر، منصوب از جنس فعل است و بعد از آن مضاف‌الیه آمده. در ترجمۀ این‌گونه مفعول مطلق نوعی معمولاً از کلمات «همچون، مانند، مثل ...» استفاده می‌کنیم.

ج) انگلیسی را از گردشگران در استان آسوان یاد گرفت.

۸- الف) تَقَرَّبَ: نزدیک شد

(۱) به خداوند نزدیک خواهد شد. (س، سوف + مضارع = مستقبل)

(۲) آن‌ها به خوبی‌ها نزدیک می‌شوند. (مضارع باب تَفَعَّلَ - صیغه جمع مذکر غایب)

(۳) به گناه نزدیک نخواهیم شد. (لن + مضارع = مستقبل منفی)

ب) اُرْسِلَ: فرستاد

(۱) نامه‌ای نَفَرَسَتْ. (لا نهی + مضارع مجزوم = نهی)

(۲) تکالیفشان را نَفَرَسْتَانَد (نفرستاده‌اند). (لم + مضارع = ماضی منفی ساده یا نقلی)

(۳) او خبری فرستاده است (فرستاد). (قد + ماضی = ماضی نقلی یا ساده)

ج) اِمْتَنَعَ: خودداری کرد.

(۱) دانش‌آموز از خوابیدن خودداری می‌کرد. (کان + مضارع = ماضی استمراری)

(۲) لطفاً از خوردن خودداری کن. (امر باب اِفْتَعَالَ صیغه مفرد مذکر مخاطب)

۹- **تجمله** مرد بسیار دانا گفت: گمان نمی‌کنم که آن‌جا کتاب‌های تکراری وجود داشته باشد - ابراهیم تبر را بر کتف (شانه) بزرگ‌ترین بت‌ها در عبادتگاه آویزان کرد - غار در بالای کوهی مرتفع قرار دارد.

- (۱) اسم الفاعل: مُرْتَفِعٌ
(۲) اسم المفعول: المُكْرَرَةُ
(۳) اسم التفضیل: أكبر
(۴) اسم المبالغة: العَلَامَةُ
(۵) اسم المكان: المَعْبَد
تجمله یادآوری

- ۱- اسم الفاعل } - فاعِل (ثلاثي مجزء)
 } - مُ ... - (ثلاثي مزید)
۲- اسم المفعول } - مَفْعُول (ثلاثي مجزء)
 } - مُ ... - (ثلاثي مزید)
۳- اسم المبالغة: فَعَال - فَعَالَةٌ
۴- اسم التفضیل: أَفْعَل - فَعْلَى
۵- اسم المكان: مَفْعَل - مَفْعَلَةٌ

۱۰- الف) ضعیف‌ترین مردم کسی که از پوشاندن رازش ناتوان باشد.

«أضعف» بر وزن أَفْعَل است پس اسم تفضیل است و بعد از آن اسم (الناس) آمده و مضاف‌الیه است، در نتیجه «أضعف» را «ضعیف‌ترین» ترجمه می‌کنیم.

ب) تماشاگران تیم برنده در در ورزشگاه تشویق می‌کنند.

«الفائز: برنده» اسم فاعل و «المُتَلَبِّع: ورزشگاه» اسم مکان است.

۱۱- (۱) الحال [بَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ] خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده برانگیخت. صاحب‌حال

«مُبَشِّرِينَ»: اسمی است نکره و منصوب (ین) که بیانگر حالت «النَّبِيِّينَ» است و با «النَّبِيِّينَ» (صاحب حال) در جنس و تعداد مطابقت و هماهنگی دارد.

۲ و ۳) المفعول المطلق و نوع المفعول المطلق [يَحْتَاجُ السَّمَكُ إِلَى الْمَاءِ احتیاجُ الأحياء مفعول مطلق نوعی مضاف‌الیه] = ماهی همانند زندگان به آب نیازمند است.

«احتیاج» مصدر فعل «يَحْتَاجُ» می‌باشد و منصوب است و پس از آن مضاف‌الیه (الأحياء) آمده پس مفعول مطلق نوعی است.

۴ و ۵) المستثنى منه، المستثنى [يَسْتَعْمِلُ الْعَمَالُ فِي الْمَضْعِ إِلَّا عَامِلًا] مستثنى منه مستثنى

کارگران در کارخانه کار می‌کنند به جز یک کارگر]

«عاملاً» اسم بعد از «إلا» است پس مستثنی است و «العَمَال» مجموعه‌ای است که مستثنی (عاملاً) از آن جدا شده پس «العَمَال» مستثنی منه است.

۱۲- ظرف - تجربه‌ها - تعمیر کردن - نماد - شرایط

الف) رمز [برگ زیتون نماد صلح است.]

ب) تجارب [کتاب‌ها تجربه‌های هزاران دانشمند در گذر زمان است.]

ج) التَّصْلِيح [خراب صفتی است برای ابزار یا وسیله که نیاز به تعمیر دارد.]

د) الظُّرُوف [شرایط، همان اوضاع و احوالی است که پیرامون خودمان آن‌ها را می‌بینیم.]

۱۳- الف) الْفِرْزَقُ يَعْرِفُهُ مَعْرِفَةً جَيِّدَةً = فرزند او را به نیکی می‌شناسد.

مبتدا مفعول مطلق نوعی صفت

«الفرزدق» اسم و اول جمله آمده پس مبتدا است. «مَعْرِفَةً» مصدر، منصوب، از جنس فعل است پس مفعول مطلق است و چون بعد از آن صفت آمده در نتیجه مفعول مطلق نوعی است. «جَيِّدَةً» صفت است برای «مَعْرِفَةً»، زیرا اولاً بیانگر صفتی است درباره «مَعْرِفَةً» ثانیاً در جنس، تعداد و حرکت (اعراب) با موصوفش مطابقت دارد.

ب) حَضَرَ الْمَسَافِرُ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ = مسافر در سالن فرودگاه حاضر شد.

فاعل بار و مبرور

«المسافر» اسمی است که بعد از «حَضَرَ» (فعل) آمده و انجام‌دهنده کار است پس فاعل است. «في قاعة» [حرف جار + اسم (مجرور)] است. نقش جار و مجرور را دارد.

۱۴- **تجمله** مادر گفت: من کوه نور را که پیامبر ﷺ در غار حرا واقع در قلۀ آن عبادت می‌کرد به یاد می‌آورم اما من غار را ندیدم، زیرا آن بالای کوهی بلند واقع است که جز افراد قوی نمی‌توانند از آن بالا بروند (فقط افراد قوی می‌توانند از آن بالا بروند). نوعی از ماهی در آفریقا پیدا می‌شود که خودش را در پوششی از مواد مخاطی (لزجی) که از دهانش خارج می‌شود، پنهان می‌کند و خودش را زیر گل دفن می‌کند سپس بیش از یک سال می‌خوابد.

الف) آیا همه مردم می‌توانند به غار صعود کنند (توانایی صعود به غار دارند)؟

لا، لا يستطيع صعوده إلا الأقوياء.

ب) چه کسی در غار حراء عبادت می‌کرد؟ كان النبي ﷺ يتعبَّد في غار حراء.

ج) ماهی کجا خودش را پنهان می‌کند؟ يَسْتُرُّ نَفْسَهُ فِي غَلَاظٍ مِنَ الْمَوَادِّ الْمُخاطِيةِ.

د) ماهی چه مدتی می‌خوابد؟ ينام السمك أكثر من سنة.

۱۵- **تجمله** بدن قوی غذای مناسبی را برای خودش جذب می‌کند.

الف) يَجْذِبُ: گزینۀ «۱»

اشتباه گزینۀ (۲): «يَجْذِبُ» فعل مضارع معلوم است که به اشتباه «مجهول» معرفی شده.

تجمله ماضی معلوم: فَعَلَ ← ماضی مجهول: فُعِلَ

مضارع معلوم: يَفْعَلُ ← مضارع مجهول: يُفْعَلُ

ب) مُنَاسِبًا: گزینۀ «۲»

اشتباه گزینۀ (۱): «مُنَاسِبًا» به دلیل این‌که تنوین (ة) دارد پس نکره است. «مُنَاسِبًا» صفت است برای «غذاء» زیرا اولاً ویژگی و صفت «غذاء» را می‌گوید ثانیاً از نظر جنس و تعداد و اعراب (حرکت) بین «غذاء» (موصوف) و «مُنَاسِبًا» (صفت) کاملاً هماهنگی وجود دارد. در گزینۀ (۱) به اشتباه «مُنَاسِبًا» را مضاف‌الیه نوشته است.



درس نامهٔ توپ برای شب امتحان

کلمه «إِنَّ» اگر وسط جمله بیاید معمولاً به معنای «زیرا» می‌باشد.

مثال لَا يَحْزَنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ: سخن آنان نباید تو را غمگین کند، زیرا عزت برای خداوند است.

۱ «أَنَّ»: به معنای «که» می‌باشد.

«أَنَّ» بین دو جمله می‌آید و آن دو را به هم پیوند می‌دهد.

مثال «إِغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»

بدانید که خداوند دارای مجازات شدید است. (شدید مجازات می‌کند). (المانحة/ ۹۸)



کارکرد	معنا	نوع حرف
در ابتدای جمله و بر سر جمله اسمیه می‌آید.	همانا، قطعاً	حرف مُشَبَّه بالفعل
در وسط جمله می‌آید و دو عبارت را به هم پیوند می‌دهد.	که	حرف مُشَبَّه بالفعل
ابتدای جمله می‌آید و آن را شرطیه می‌کند و فعل شرط و جواب شرط را مجزوم (ن، ۲) می‌کند و معنای فعل شرط را به مضارع التزامی تبدیل می‌کند.	اگر	ادات شرط
همراه فعل مضارع می‌آید و معنای آن را به مضارع التزامی تبدیل می‌کند.	که	حرف ناصبه

۲ «كَأَنَّ»: «كَأَنَّ» برای بیان «مشابهت» است. هر وقت **كَأَنَّ** را در جمله‌ای دیدید آن را «گویی» و «مانند» ترجمه کنید.

كَأَنَّ إِرْضَاءَ جَمِيعِ النَّاسِ غَايَةً لَا تُدْرِكُ: گویی خشنودساختن همهٔ مردم، هدفی است که به دست آورده نمی‌شود.

کلمه «كَأَنَّ» را با «كَانَ» اشتباه نگیریم. **كان** جزء افعال ناقصه است و به معنای «بود»، است و فعل کمکی می‌باشد.

۳ «لَكِنَّ»: به معنای «ولی» و «اما» می‌باشد و برای تکمیل یا رفع ابهام جمله قبل می‌آید.

مثال «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ»

خداوند ذره‌ای به مردم ستم نمی‌کند ولی این مردم‌اند که به خویشان ستم می‌کنند. (یونس/ ۴۴)

کلمه «لَكِنَّ» را با «لَكِنْ» اشتباه نگیریم. «لَكِنْ» آخرش ساکن است و معنایش هم تقریباً با «لَكِنَّ» یکی است، ولی حرف مشبّهة بالفعل نیست بلکه حرف عطف است.

۴ «لَيْتَ»: به شکل «یا لَيْتَ» هم می‌آید و به معنای «کاش» و «ای کاش» است.

«يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ»: ای کاش ما خدا را اطاعت می‌کردیم (کرده بودیم). (الاحزاب/ ۶۶)

کلمه هرگاه **لَيْتَ** به ضمیر متصل «ی» وصل شود، بین این دو «نون وقایه» می‌آید و به شکل «لَيْتَنِي» می‌نویسیم (لَيْتَ + «ن» وقایه + ی = لَيْتَنِي).

مثال «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ ثَرِيّاً»: ای کاش من خاک بودم. (النبا/ ۴۰)

۵ «لَعَلَّ»: به معنای «شاید» و «امید است» ترجمه می‌شود.

مثال «لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيباً»: شاید قیامت نزدیک باشد. (الاحزاب/ ۶۳)

کلمه «لَعَلَّ» شاید، امید است «را» با «لَيْتَ» ای کاش «اشتباه نگیرد؛ خیلی از بچه‌ها این دو را جابه‌جا می‌گیرند.

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ: الدِّينُ وَالتَّوَكُّلُ

«الْحُرُوفُ الْمَشَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ» و «الْتَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ» و معنای آن‌ها

الْحُرُوفُ الْمَشَبَّهَةُ بِالْفِعْلِ

به مثال‌های زیر توجه کنید:

الف «إِنَّ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ»:

بی‌گمان وعدهٔ خدا حق است ولی بیشتر آن‌ها نمی‌دانند. (یونس/ ۵۵)

ب «أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مَلَكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»:

آیا ندانستی که حکومت آسمان‌ها و زمین، از آن خداست؟ (البقرة/ ۱۰۷)

به حروفی مانند **إِنَّ، أَنْ، لَكِنَّ، كَأَنَّ، لَيْتَ، لَعَلَّ** «حروف مُشَبَّهة بِالْفِعْلِ» می‌گوییم.

این حروف بر سر جمله اسمیه می‌آیند و اعراب مبتدا را تغییر می‌دهند؛ یعنی مبتدای جمله را اسم خود می‌کنند.

بهتر است به چند مثال زیر به همراه تغییر حرکات کلمات توجه کنید:

الف «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ»: همانا خداوند بدکاران را دوست ندارد. (القصص/ ۷۷)
اسم **إِنَّ** فِیر **إِنَّ**

ب «لَعَلَّ النَّصْرَ قَرِيبٌ»: امید است پیروزی نزدیک باشد.
اسم **لَعَلَّ** فِیر **لَعَلَّ**

در مثال‌های بالا «اللَّهُ» و «النَّصْرَ» اسم «إِنَّ» و «لَعَلَّ» هستند.

اما یک نکته! اسم «حروف مشبّهة بالفعل» می‌تواند ضمیر متصل باشد، مانند:

«كَأَنَّ هُمْ بَنِيَانٌ مَرْضُوضٌ»: گویی آن‌ها ساختمانی استوارند. (الصف/ ۴)
اسم **كَأَنَّ** فِیر **كَأَنَّ**

فِر ترجمه

آشنایی با معانی حروف مشبّهة بالفعل بسیار مهم است؛ پس به مثال‌ها و نکاتی که مطرح می‌کنیم توجه کنید.

۱ «إِنَّ»: به معنای «قطعاً، همانا، به درستی که، بی‌گمان» است؛ به عبارت دیگر، جمله پس از خود را تأکید می‌کند.

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ قَطْعاً: خداوند بخشنده است.

کلمه **إِنَّ** که به معنای «قطعاً، همانا...» می‌باشد در اول جمله می‌آید.

کلمه در متن‌هایی که برای دوران حاضر است می‌توان «إِنَّ» را ترجمه نکرد.

مثال «إِنَّ هَذَا السَّمَكُ يَعِيشُ فِي آفْرِيقَا»: این ماهی در آفریقا زندگی می‌کند.

کلمه هرگاه **إِنَّ** به ضمیر «نا» متصل شود آن را به صورت «إِنَّا» و «إِنْتَا» می‌نویسیم.

مثال «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكُوفْرَ»: به درستی که ما به تو خیر زیاد عطا کردیم. (الکوفر/ ۱)

کلمه هرگاه **إِنَّ** به ضمیر متصل «ی» وصل شود، می‌توان بین این دو «نون وقایه» آورد و به شکل «إِنْتِي» بنویسیم (إِنَّ + «ن» وقایه + ی = إِنْتِي).

مثال «إِنْتِي أَنَا اللَّهُ»: به درستی که من همان خدای هستم. (طه/ ۱۴)

کلمه اگر حرف «ما» به **إِنَّ** متصل شود (إِنَّمَا)، معنی «تنها» و «فقط» می‌دهد و دیگر از حروف مشبّهة بالفعل نیست.

مثال «إِنَّمَا الْفَخْرُ لِعِزَّتِي ثَابِتٌ»: افتخار تنها به خردی استوار است.

حتماً تا به حال متوجه شده‌اید که ترجمه انواع فعل در کتاب شما بسیار مورد تأکید است؛ بنابراین حالا ببینیم که **لَيْتَ** و **لَعَلَّ** در ترجمه فعل چه تغییری ایجاد می‌کنند.

نکته ۱۵۱: اگر جمله‌ای دارای **لَيْتَ** و **لَعَلَّ** باشد و بعد فعل مضارع بیاید (لَيْتَ یا لَعَلَّ ... + فعل مضارع) آن فعل مضارع را به صورت «مضارع التزامی» (+ب + بن مضارع + شناسه) ترجمه می‌کنیم. (لَيْتَ یا لَعَلَّ ... + فعل مضارع = مضارع التزامی)

مثال ۱۵۱: ﴿إِنَّا جَعَلْنَا قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾

مضارع

بی‌گمان ما قرآنی را (به زبان) عربی قرار دادیم امید است شما خردورزی کنید. (الزخرف/۳)
مضارع التزامی

همان‌طور که در مثال می‌بینید «تَعْقِلُونَ = خردورزی می‌کنید» فعل مضارع است ولی چون قبل از آن «لَعَلَّ» آمده به شکل «مضارع التزامی» ترجمه می‌کنیم.

مثال ۱۵۲: ﴿يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ﴾: ای کاش خویشاوندانم بدانند. (یس/۲۶)

مضارع التزامی

مضارع

اگر موافقید از هر کدام دوباره مثالی ببینیم:

مثال ۱۵۳: لَعَلَّ الطُّلَابَ يَجْتَهِدُونَ: شاید دانشجویان تلاش کنند.

مضارع التزامی

مضارع

مثال ۱۵۴: لَيْتَ السُّبَابِ يَعُودُ: کاش جوانی برگردد.

مضارع التزامی

مضارع

نکته ۱۵۲: اگر جمله‌ای دارای **لَيْتَ** و **لَعَلَّ** باشد و بعد فعل ماضی بیاید (لَيْتَ یا لَعَلَّ ... + فعل ماضی) آن فعل ماضی را می‌توان به صورت **ماضی استمراری** (می + ماضی + شناسه) یا به صورت ماضی بعید (بن ماضی + ه + فعل بود + شناسه) هم ترجمه کنیم.

(لَيْتَ یا لَعَلَّ ... + فعل ماضی = ماضی استمراری)

(لَيْتَ یا لَعَلَّ ... + فعل ماضی = ماضی بعید)

مثال ۱۵۵: لَيْتِنَا اِمْتِنَعْنَا عَنْهُ: کاش ما از آن خودداری می‌کردیم. (خودداری کرده بودیم.)

ماضی بعید

ماضی استمراری

ماضی

مثال ۱۵۶: لَيْتِنَا شَاهِدْنَا جَمِيعَ مَدَنٍ بِلَادِي:

ماضی

کاش همه شهرهای کشورم را می‌دیدیم. (ماضی استمراری) ← ترجمه صحیح‌تر

کاش همه شهرهای کشورم را دیده بودیم (ماضی بعید) ← ترجمه صحیح

لَا النَّافِيَةَ لِلْجِنْسِ

به مثال‌های زیر توجه کنید:

الف) لَا لِبَاسٍ أَجْمَلٍ مِنَ الْعَافِيَةِ: هیچ لباسی زیباتر از سلامتی نیست.

ب) لَا عِبَادَةَ مِثْلَ التَّفَكُّرِ: هیچ عبادتی همانند اندیشیدن نیست.

در مثال‌ها «لا»ی نفی جنس را می‌بینید.

«لا»ی نفی جنس بر سر جمله اسمیه می‌آید و حرکت مبتدا را تغییر می‌دهد؛ یعنی مبتدا را اسم خود و مفتوح (ـ) می‌کند.

ویژگی‌های اسم **لائی نفی جنس:** ۱- ال نمی‌گیرد (نکره است). ۲- تنوین نمی‌گیرد. ۳- همواره فتحه (ـ) دارد.

به چند مثال دیگر به همراه تغییر حرکات کلمات توجه کنید.

الف) لَا فَقْرٌ أَشَدُّ مِنَ الْجَهْلِ: هیچ فقری سخت‌تر از نادانی نیست.

اسم ولایه فیه ولایه

نفی جنس نفی جنس

ب) لَا جِهَادٌ كِجِهَادِ النَّفْسِ: هیچ پیکاری مانند پیکار با نفس نیست.

اسم ولایه فیه ولایه

نفی جنس نفی جنس

فِن تَرْجِمَهُ

خُب! برویم سراغ اصل داستان که ترجمه «لا»ی نفی جنس است.

«لا»ی نفی جنس به معنای «هیچ ... نیست» یا «اصلاً ... وجود ندارد» می‌باشد.

به مثال‌ها توجه کنید:

مثال ۱۵۷: الف) لَا مِيرَاثَ كَالْأَدْبِ: هیچ میراثی مانند ادب نیست. (اصلاً هیچ میراثی مانند

ادب وجود ندارد.)

ب) لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: هیچ معبودی جز الله نیست.

گ) كَتَمْتَنِي: (انواع «لا»)

در زبان عربی چند نوع «لا» داریم که معنا و کاربرد هر کدام متفاوت است؛ پس لازم است انواع «لا» را بشناسیم.

۱) «لا» به معنای «نه»: این «لا» حرف است و متضاد «نعم» است و در پاسخ «هل» و «أ» (آیا) می‌آید.

مثال ۱۵۸: هَلِ الطَّالِبُ الْمُتَكَاسِلُ نَاجِحٌ؟ لَا: آیا دانش‌آموز تنبل موفق است؟ **خیر (نه).**

۲) «لا»ی نهی: بر سر فعل مضارع می‌آید و ظاهر فعل مضارع را تغییر می‌دهد (مجزوم می‌کند). در سال‌های قبل با فعل نهی دوّم شخص آشنا شدید. (تَكْتَبُ ← لَا تَكْتَبُ: ننویس / تَسْبُوْنَ ← لَا تَسْبُوْا: دشنام ندهید)

اما «لا»ی نهی می‌تواند قبل از فعل‌های مضارع اول و سوّم شخص هم بیاید که در این صورت

به همراه «نباید» ترجمه می‌کنیم. [لا نهی + مضارع غایب و متکلم = نباید + مضارع التزامی] سوم شخص مفرد ← لَا يَحْزُنُكَ ← نباید تو را غمگین کند.

اول شخص جمع ← لَا تَذْهَبْ ← نباید برویم.

۳) «لا»ی نفی مضارع: بر سر فعل مضارع می‌آید و ظاهر فعل مضارع را تغییر نمی‌دهد و معنای آن را منفی می‌کند.

مثال ۱۵۹: يَرْحَمُ = رَحِمَ مِي كَنْد / لَا يَرْحَمُ = رَحِمَ نَمِي كَنْد

يَذْكُرُ = يَاد مِي كَنْد / لَا يَذْكُرُ = يَاد نَمِي كَنْد

۴) «لا»ی نفی جنس: در ابتدای درس‌نامه، عملکرد و معنای آن را نوشتیم.

حالا برای این‌که انواع «لا» را بهتر بشناسیم با همدیگر مثالی را بررسی می‌کنیم:

سوال ۱۵۹: انواع «لا» را در مثال‌های زیر مشخص کنید.

الف) ﴿... رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ...﴾ (البقره/۲۸۶)

ب) لَا يَتْرُكُ اللَّهُ الْإِنْسَانَ سُدىً.

ج) لَا تَحْمَلْنَا: بر ما تحمیل نکن. (لای نهی است؛ زیرا بر سر فعل مضارع آمده و آن را مجزوم (ـ) کرده است.)

لا طَاقَةَ لَنَا: هیچ طاقتی برای ما نیست. (لای نفی جنس است؛ زیرا بر سر جمله اسمیه

(مبتدا) آمده و آن را مبنی بر فتحه (ـ) کرده است.)

د) لَا يَتْرُكُ: رها نمی‌کند (لای نفی مضارع است؛ زیرا بر سر فعل مضارع آمده و حرکت

آخر آن را تغییر نداده است.)

کلمات و عبارات مهم درس

فعل‌ها

أَقَامَ - يُقِيمُ: بر پا کرد - بر پا می‌کند	أَقَمَ وَجْهَكَ: روی بیاور
تَدُلُّ: راهنمایی می‌کند	تَوَكَّدُ: تأکید می‌کند
لَمْ يَتْرُكْ: رها نکرد - رها نکرده است	إِزْدَادًا: افزایش یافت
أَنْ يَتْرُكَ: که رها شود	يَحْسَبُ: گمان می‌کند
قَدْ حَدَّثْنَا: با ما سخن گفته است	لِيُبَيِّنُوا: تا آشکار کنند
وَلَنْدُكُرُ: و باید یاد کنیم	كَسَرَ: شکست
أَنْ يُقَيَّدَ: که نجات دهد	حَاوَلَ: تلاش کرد
عَلَّقَى: آویزان کرد	لَمَّا خَرَجَ: هنگامی که بیرون رفت



ظَنُوا: گمان کردند
سَأَلُوهُ: از او پرسیدند
إِسْأَلُوا: بپرسید
بَدَّوْا يَتَهَا مَسُونٌ: شروع به پیچ کردن
أَنْصَرُوا: یاری کنید
أَنْقَذَهُ: او را نجات داد

أَحْضَرُوهُ: او را آوردند
تَسَأَلُونَنِي: از من سؤال می کنید
لَا يَتَكَلَّمُ: سخن نمی گوید
حَرَقُوهُ: او را بسوزانید
قَذَفُوهُ: او را انداختند

سایر کلمات و عبارات

حَنِيفًا: یکتاپرستی نسل یا نژادی از مردم
الْحَضَارَاتُ: تمدن ها
الْكِتَابَاتُ: کتیبه ها
الرُّسُومُ: نقاشی ها
الشَّعَائِرُ: مراسم
التَّجَنُّبُ: دوری کردن
تَبَارَكَ وَتَعَالَى: بزرگ و بلندمرتبه است
السِّيَرَةُ: روش و کردار
الأضْطَامُ: بت ها
الْقَاسُ: تیر
الإِشْتِهَاءُ: مسخره کردن
التَّدْيُنُ: دینداری

شُعْبُ: ملت
خِلَالُ: از میان
التَّقْوُسُ: کنده کاری ها
التَّمَائِيلُ: تندیس ها
الْقَرَابِينُ: قربانی ها
مَرَّ الْعَصُورِ: گذر زمان (گذشت دوره ها)
السُّدَى: بیهوده و پوچ
الصَّرَاعُ: کشمکش
وَحِيدًا: تنهایی
الْكَيْفُ: شانه
الإِفْتِمَامُ: توجه کردن

متن درس

﴿أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا﴾:

با یکتاپرستی به دین روی آور. (یوشس/ ۱۰۵)
لَا شُعْبَ مِنْ شُعُوبِ الْأَرْضِ إِلَّا...: هیچ ملتی از ملل زمین نیست مگر ...
تَعَدُّدُ الْأَلْهَةِ وَتَثَدِيمُ الْقَرَابِينِ: چندگانگی خدایان و پیشکش کردن قربانی ها
﴿أَ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾:
آیا انسان گمان می کند که بیهوده رها می شود؟ (القیامه/ ۳۶)
قَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ عَنْ سِيَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ ﷺ وَ صِرَاعِهِمْ:
قرآن با ما درباره روش پیامبران ﷺ و کشمکش آن ها سخن گفته است.
حَاوَلُ أَنْ يُنْفِذَ قَوْمُهُ: تلاش کرد که قوم خود را نجات دهد،
حَمَلَ فَأَسَا وَ كَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ: تبری را برداشت و همه بت ها را شکست.
﴿أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَلْهَتِنَا يَا إِبْرَاهِيمَ﴾:

ای ابراهیم، آیا تو این کار را با خدایان ما انجام دادی؟ (الانبیاء/ ۶۲)
لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ (سَأَلُوا الصَّمَّ الْكَبِيرَ: چرا از من می پرسید؟ از بت بزرگ بپرسید
بَدَّ الْقَوْمُ يَتَهَا مَسُونٌ: مردم شروع به پیچ کردن.
و هُنَا ﴿قَالُوا حَرَقُوهُ وَ أَنْصَرُوا آلَهُتَكُمُ﴾:

و این جا «گفتند که او را بسوزانید و خدایانتان را یاری کنید.» (الانبیاء/ ۶۸)
فَقَذَفُوهُ فِي النَّارِ: پس او را در آتش انداختند.
فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا: و خداوند او را از آن (آتش) نجات داد.

کلمات و عبارات تمارین

لَمْ يَكُنْ: نبود
عَلَّمْتَنَا: به ما آموختی
لَا تُدْرِكُ: به دست آورده نمی شود (به دست نمی آید)
لَا يَحْرُكُكَ: نباید تو را غمگین کند.
يَقَعُ: قرار می گیرد
بُئْيَانٌ مَرْصُوصٌ: ساختمانی استوار
جَعَلَنِي: من را قرار داد
عَلَّمْتَنَا: به ما آموختی
لَا تُحْمَلُنَا: بر ما تحمیل نکن
أَلْبِثُ: رستخیز
كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ: نمی دانستید
لَا تَحْزُنُ: غمگین نباش

النَّسَبُ: دودمان، نژاد
لَا يُضِيعُ: تباه نمی کند
يَسْتَوِي: برابر هستند
بَدَّوْا يَتَكَلَّمُونَ: شروع به سخن گفتن کردند
مُدُنٌ: شهرها
كُنْزٌ: گنج
سِنَّ عَرِيضَةٍ: دندانان پهن
طِينَةٌ: گلی
لَا يُدْرِكُ: بیان نمی شود
الْمُفْسَدَةُ: مایه تباهی
الإِشْرَاحُ: شادمانی
أَمَّا الصَّدْرُ انْشِرَاحًا / وَ فَمِي بِالْبَسْمَاتِ: سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن.
أُزْرٌ: روشن کن
الإِزْضَاءُ: خشنودساختن
ما يلي: آن چه می آید
العَصَبُ: پی
لَا تَعْصَبُ: عصبانی نباش
سَعِيدٌ: خوش بخت
أداء الواجبات: انجام دادن تکالیف
الحظُّ: بخت
غايةً: هدفی
الجدع: تنه
لا تسبوا: دشنام ندهید
يعبد: عبادت می شود
صفاً: ردیفی، ترتیبی
قیل: گفته شد
تراهم: آن ها را می بینی (می پنداری)
التحاس: مس
عظم: استخوانی
لا بركة فيه: هیچ برکتی در آن نیست
موجب الدعوات: برآورنده دعاها
أعني: مرا یاری کن
أما الصذر انشراحاً / و فمي بالبسمات: سینه را از شادمانی و دهانم را از لبخندها پر کن.
السلام: آشتی، صلح
الثراب: خاک
سوی: به جز
دأء: بیماری
الأنشودة: سرود
البسمات: لبخندها
أي: کدام، هیچ، هرگونه
إحمني: از من نگاهداری کن (حمی، یحمی)
القرآن: خواندن، کتاب خداوند

مترادف

تَجَنَّبُ = الإبتعاد (دوری کردن)	أَنَارَ = أضاء (روشن کرد)
إِزْدَادٌ = كَثُرَ (زیاد شد)	مُوَحَّدٌ = حنيف (یکتاپرست)
الصَّرَاعُ = التِّزَاعُ (کشمکش)	حَرَقَ = أشعل (سوزاند)
الذَّاءُ = المَرَضُ (بیماری)	سَاعَدَ = أعان (کمک کرد)
السلام = الصِّلحُ (آشتی، صلح)	بَعَثَ = قیامة (رستخیز)
مَرصُوصٌ = سدید (محکم)	رَمَى = قَذَفَ (پرتاب کرد، انداخت)
إِشْرَاحٌ = سُورُور (شادی)	أُمٌّ = أُو (یا)
بُئْيَانٌ = بناء (اساس، پایه)	شعائیر = مَراسِم (مراسم)
أَعَانَ = نَصَرَ (یاری کرد)	لَعَلَّ = عَسَى (شاید، امید است)
سُدًى = عَثَبٌ (بیهوده)	مُزَارِعٌ = فَلَاحٌ (کشاورز)
يَحْسَبُ = يَظُنُّ (گمان می کند)	سَبَّ = فُحِشٌ (دشنام)
أَعَجَبٌ = أَعْرَبٌ (عجیب تر، عجیب ترین)	حنيف = مُوَحَّدٌ (یکتاپرست)

متضاد

الصَّرَاعُ (کشمکش) = السَّلْمُ (آرامش)
عافية (سلامتی) = مَرَضٌ (بیماری)
حفي (پنهان) = ظاهر (آشکار)
العافية (سلامتی) = الذَّاءُ (بیماری)
حنيف (یکتاپرست) = مُشْرِكٌ (کسی که برای خدا شریک قائل است.)
أَجْمَلٌ (زیباتر، زیباترین) = أَقْبَحٌ (زشت تر، زشت ترین)
بَسْمَةٌ (خنده) = بُكَاءٌ (گریه)
عَرِيضٌ (وسیع) = ضَيِّقٌ (تنگ)

جمع	مفرد	ترجمه
الشُّعُوب	الشَّعْب	ملت، نژاد
الْأَثَار	الْأَثَر	اثر، بازمانده
الکِتَابَات	الکِتَابَة	کتابه
التُّقُوش	التَّقْش	کنده کاری
الْوُجُوه	الْوَجْه	چهره
الرُّسُوم	الرَّسْم	نقاشی
التَّمَاثِيل	التَّمَثَال	تندیس
الشُّعَائِر	الشَّعْیرَة	مظاهر، مراسم
الْأَلْهَة	إله	خدا
الْقُرَابِين	الْقُرْبَان	قربانی
الْأَدِیَان	الدِّین	دین و آیین
الْعُصُور	العَصْر	دوران، روزگار
الْأَقْوَام	الْقَوْم	قوم و گروه
الأضنَام	الصَّم	بت
الأعیاد	العید	عید
الأکْتِاف	الکِثْف، الکِثْف	شانه
الْمُدُن	المَدینَة	شهر
الْجُدُوع	الْجُدُع	تنه
العِظَام	العِظْم	استخوان
الْأَنَاشِید	الْأَنشُودَة	سرود
الْخُطُوط	الْخَطَّ	بخت
الْبِلَاد	الْبَلَد	سرزمین
الشُّرُور	الشَّر	بدی
التَّوَارِیخ	التَّارِیخ	تاریخ
الأنبیاء	النَّبِیِّ	پیامبر
الْقُؤُوس	الْقَاس	تبر
الْمَعَابِد	الْمَعْبَد	پرستشگاه
صَفُوف	صَف	کلاس
لُحُوم	لَحْم	گوشت
أعصاب	عَصَب	پی، عصب
دروس	دَرَس	درس
علوم	عِلْم	دانش
فِرَاس	فَرِیْسَة	شکار